

فمینیسم؛ مبانی ایجابی یا سلبی در قرآن کریم

محمدعلی رازقی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۱۰

مرتضی براتی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۲۶

داوود داداشی نژاد***

چکیده

فمینیسم جنبشی علیه سلطه حداکثری مردان در جامعه است. فعالین حقوق زنان (فمینیست‌ها) باور دارند که جنسیت در زندگی انسان‌ها نباید عاملی تعیین‌کننده برای جایگاه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها باشد، زیرا باور دارند زن و مرد باید از حقوق برابری در زمینه‌های مختلف برخوردار باشند و به برابری جنسیتی معتقدند. اکنون این پژوهش بر آن است تا به این مهم برسد که قرآن کریم و عقاید اسلامی باورهای فمینیسم را تا چه اندازه باور دارد. در آموزه‌های اسلامی شاهد این موضوع هستیم که دین اسلام بی‌نهایت به جایگاه زنان بها داده، اما این موضوع به معنای پذیرش مطلق برابری و اندیشه‌های فمینیسم نیست. نگارنده در این مقاله بعد از آوردن مبانی اسلامی در رابطه با حقوق زنان و نقد و بررسی آن؛ به این نتیجه می‌رسد که دین اسلام به جای «مساوات» که شالوده اندیشه فمینیستی را تشکیل می‌دهد به دنبال «عدالت استحقاقی» است تا وظایف بنیادین زن را به او آموزش و بر این باور است که رسیدن به عدالت مذکور موجب سعادت خانواده و در نهایت جامعه می‌شود.

کلیدواژگان: فمینیسم، زن، حقوق، رویکرد مساواتی، برابری.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.

mahammadalirazeghi@gmail.com

mortezaabarati@chmail.ir

dadashnejaddavood@yahoo.com

** استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.

*** استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.

نویسنده مسئول: محمدعلی رازقی

مقدمه

فمینیسم را گاه به جنبش‌های سازمان‌یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه‌ای معنا کرده‌اند که به برابری زن و مرد از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی معتقد است. فمینیسم را می‌توان واکنش زن غربی مدرن در برابر فرهنگ بجا مانده از عصر سنت اروپایی دانست. این مفهوم در ابتدا جنبش اجتماعی زنان فرانسه و کشورهای دیگر مغرب زمین در برابر نابرابری‌های حقوقی، اقتصادی و سیاسی و اعتراض به عدم تعادل در اصلاحات نوین بود. از این رو، توجه به اصلاحات حقوقی و سیاسی، نقطه بارز موج اول فمینیسم است که می‌توان آن را نهضت دفاع از حقوق زنان دانست. فمینیسم موج دوم؛ با طرح افکار ایدئولوژیک در تحلیل علل فرودستی زنان و ترسیم آرمان فمینیستی آغاز شد. این موج، با ارائه مباحث زنانه در علوم انسانی، به معرفت‌شناسی فمینیستی توجه کرد و به نقد کلی فلسفه، معرفت‌شناسی و تولید دانش پرداخت (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۸۱۳).

از موضوعات مهمی که امروزه باید به آن توجه کرد این است که زنان خواستار حقوقی مشابه مردان در جامعه هستند. تردیدی نیست که زنان، در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شأن بالایی برخوردار نبوده و غالباً از جانب مردان مورد بی‌مهری و ظلم و ستم واقع می‌شدند، اما با رشد روزافزون آگاهی‌های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است و چگونه می‌توان حقوق از دست رفته زنان را استیفا کرد؟! در این راستا به یقین می‌توان گفت که ادیان الهی به ویژه دین خاتم، بیش از همه به احیای شخصیت والای زن همت گماشته و خداوند متعال بهترین راه را برای سعادت و رستگاری بشر اعم از زن و مرد، فراروی آنان گشوده است. معارف و الگوهای حیات‌بخش اسلام اگرچه در مسیر احیای شخصیت و جایگاه زنان تأثیرات زیادی داشته و دارد، ولی بسیاری از حقایق در پس ابرهای جهل و خرافه پنهان مانده و جامعه زنان هنوز نتوانسته‌اند آنچنان که باید از میوه‌های شیرین فرهنگ دینی بهره‌مند گردند. از طرف دیگر فرهنگ غرب با تسلط بر امکانات مادی و مراکز ارتباطی و اطلاعاتی سعی در تحمیل الگوی ناقص خویش بر ملت‌های جهان دارد. آنان که هنوز از سودمندی دستاوردهای خویش مطمئن نیستند و

از درون دچار چالش‌های عمیق و فراگیر شده‌اند، به تهاجم فرهنگی علیه کشورهای دیگر دست زده‌اند. از این رو ضروری است در دورانی که به «جاهلیت مدرن» موسوم گشته، با معرفی دقیق شخصیت و جایگاه زن گامی مهم در جهت پیشبرد اهداف عالی اسلام برای تحقق زنان وارسته برداشت.

در اواخر قرن بیستم، زنان نمی‌توانستند در اروپا و در اکثر ایالات متحده (که در آن چندین سرزمین و ایالت‌ها حق رأی زنان را پیش از آنکه دولت فدرال به آن‌ها رأی داده بودند) رأی بدهند و یا در انتخابات شرکت کنند. زنان بدون داشتن نماینده مرد، پدر و مادر، برادر، شوهر و یا حتی پسر نماینده از انجام تجارت ممنوع بودند. زنان متأهل بدون اجازه شوهران خود نمی‌توانستند با فرزندان خود ارتباط برقرار نمایند. علاوه بر این، زنان یا به طور کلی از تحصیل محروم بودند و یا از سطح خاصی حق تجاوز نداشتند؛ مضافاً از یادگیری و انجام بسیاری از حرفه‌ها محروم بودند. ناگفته نماند در برخی از نقاط جهان، محدودیت‌هایی پیش‌گفته همچنان در حق زنان اعمال می‌شود (Hawkes worth, Mary, 2006: 27). با توجه به مطالبی که گفته شد باید اذعان نمود؛ خداوند متعال در کتاب خود در حدود چهارده قرن پیش، زنان را در کسب فضایل و دریافت غفران و پاداش عظیم، در آیه ۳۵ سوره احزاب مساوی معرفی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾

«به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و زنان صابر، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است»

صدای فمینیستی رنسانس هرگز به یک فلسفه یا جنبشی منسجم تبدیل نشد. این فقط با روشنگری اتفاق افتاد، زمانی که زنان شروع به تقاضا نمودند که الفاظی جدید اصلاح طلبی در مورد آزادی، برابری و حقوق طبیعی برای هر دو جنس اعمال شود. در ابتدا، فیلسوفان روشنگری متمرکز بر نابرابری‌های طبقه اجتماعی و جنبش به حذف جنس بود. به عنوان مثال، ژان ژاک روسو، فیلسوف فرانسوی-سوئیس، زنان را به موجودات احمق و ناخوشایند تشبیه می‌کند که مطیع و تابع مردان هستند. علاوه بر این، اعلامیه حقوق مرد و شهروند، که پس از انقلاب ۱۷۸۹ شهروندی فرانسوی را تعریف کرد، به طور مشخص وضعیت قانونی زنان را روشن نکرد و در هاله‌ای از ابهام قرار داد (Beasley, Chris, 1999: 27).

اکنون با توضیحاتی که بیان شد این سؤال پیش می‌آید که با عنایت به مبانی فقه اسلامی آیا اسلام در مقام پذیرش یا رد فمینیسم است؟! آیا می‌توان فمینیسم را که در ظاهر یک حکم عقلی است با حکم شرعی در اسلام بر مبنای قاعده ملازمه «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ، وَكُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ» دانست؟! نگارنده در این پژوهش بعد از توضیح مختصری از مفهوم فمینیسم و تبیین اصل بحث، مبانی را به نقد و بررسی می‌کشد و در نهایت به رویکردشناسی پرداخته و موضوع را تبیین می‌کند.

مفهوم فمینیسم

«فمینیسم» در واقع واژه‌ای فرانسوی است که ریشه‌ای لاتینی femina به معنی زن دارد. باید تصریح کرد که این واژه در زبان انگلیسی و در زبان فرانسوی feminine است که از لغت لاتینی femininus به معنی «زنانه» گرفته شده است. در زبان فارسی، طرفداری از حقوق زنان، جنبش آزادی زنان، زن‌باوری، زن‌آزادخواهی و مانند آن معادل‌هایی هستند که برای واژه فمینیسم عرضه شده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱).

فرهنگ لغت انگلیسی وبستر (Webster) فمینیسم را اینگونه تعریف می‌کند: «طرز تفکری که حقوق اجتماعی و سیاسی زنان و مردان را مساوی دانسته و نهضتی که برای چنین آرمانی تلاش می‌کند». در جای دیگر آمده است: «عقیده بر برابری زن و مرد و طرفداری از زنان» معنی کرده است (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۳).

البته در نقد دو تعریف فوق باید اذعان نمود هر دو نگارنده وارد یک تضاد غیر منطقی شده‌اند و آن هم قرار دادن زن در مقابل مرد است، در حالی که این موضوع که جنس زن با مرد متفاوت می‌باشد، روشن و آشکار است. این تفاوت، تمایز در حقوق را ایجاد می‌نماید اما باید گفت زنان در این جنبش به دنبال حقوق برابر نیستند بلکه به دنبال حقوق مکتوم‌مانده خویش‌اند که تعالی زن در یک جامعه آرمانی را شکل می‌دهد و در واقع حقوقی که یک زن می‌تواند با دستیابی به آن زمینه رشد و تعالی را در خود ایجاد نماید.

در تعریف دیگر می‌توان فمینیسم را جنبش سیاسی و فرهنگی با هدف به دست آوردن حقوق و امتیازات برابر برای زنان دانست. عده‌ای دیگر معتقدند؛ گستره‌ای از جنبش‌های سیاسی، ایدئولوژی‌ها و جنبش‌های اجتماعی است که هدفی مشترک را دنبال می‌کنند: تعریف، برقراری و دستیابی به سطحی از حقوق زنان که در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی، با مردان برابر باشد. این هدف شامل تلاش برای برقراری فرصت‌های برابر برای زنان در اشتغال و برابری حقوق مادی به ازای کار برابر با مردان می‌شود (Beasley, 1999: 11).

باید اذعان نمود وقتی از برابری حقوق بین زنان و مردان صحبت به میان می‌آید منظور تنها برابری در نحوه برخورد آن به شکل ظاهری نیست، بلکه منظور برابری در تمام زمینه‌هایی که مردان حق استفاده از آن را دارند. این حقوق شامل؛ تمامیت بدنی و خودمختاری، حق رأی، حق کار، حق دستمزد برابر به‌خاطر کار برابر، حق مالکیت، حق تحصیل، حق شرکت در ارتش، حق مشارکت در قراردادهای قانونی و در نهایت؛ حق سرپرستی فرزندان، حق ازدواج آزادانه و آزادی مذهبی، و آزادی در برابر تمام تصمیمات، حق انجام کارها بدون اجازه همسر یا پدر است (Lockwood, 2006: p 3).

نگارنده معتقد است که فمینیسم جنبش نارضایتی زنان نسبت به تضييع حقوق خود می‌باشد. این نارضایتی‌ها کم‌کم به شکل یک مسیر هدایت‌شده در آمد که منتج به توجه ویژه مردان نسبت به حقوق زنان شد. فعالین حقوق زنان (فمینیست‌ها) باور دارند که جنسیت در زندگی انسان‌ها نباید عاملی تعیین‌کننده برای جایگاه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها باشد، زیرا باور دارند زنان و مردان باید از حقوق برابری در زمینه‌های

مختلف برخوردار باشند و به برابری جنسیتی معتقدند. اعتقاد به برابری حقوق زن و مرد دارند. فمینیسم بیش‌ترین تمرکز خود را معطوف به تهدید نابرابری‌های جنسیتی و پیش‌برد حقوق، علایق و مسائل زنان کرده است. فمینیسم عمدتاً از قرن ۲۰ میلادی «انتشار اولین اساس‌نامه حقوق بشر» پدید آمد.

بعضی‌ها معتقدند نظریه فمینیسم به این موضوع اشاره دارد که در دنیا زنان تماماً به شکل مساوی از حقوق مناسبی برخوردار نمی‌شوند و در بعضی از نقاط زنان فرودست محسوب می‌شده و این خود باعث آغاز جنبش فمینیسم شده است (دلپورتا، دوناتلا، ۱۳۸۳: ۳) البته به این استدلال از دید نگارنده ایراداتی وارد است. اولاً باید اذعان نمود زنان در ادوار گذشته هیچ حقوقی جز حق حیات نداشته‌اند و مثل مردان از آزادی و اختیار برخوردار نبوده و جامعه مردان خانواده را اربابان زنان می‌دانسته‌اند که می‌توانند بدون هیچ قید و شرطی با آن‌ها رفتار کنند. دوماً بعد از این رفته‌رفته با ظهور کم‌رنگ زنان در جامعه این موضوع روشن شد که زن‌ها می‌توانند در جامعه هم‌پای مردان اشتغال داشته و بر خود بقبولانند که زن می‌تواند از حقوقی که برای مردان تعریف شده است برخوردار باشد. در آخر این نگرش کم‌کم به شکل جریان فمینیسم خود را نشان داد.

تبیین بحث

فمینیسم در کشورهای غربی طرفدارن زیادی پیدا کرده است تا جایی که در بعضی از کشورهای جهان راهپیمایی‌های بزرگی با خواسته برابری حقوق زنان و مردان بر پا می‌شود. البته باید اذعان نمود که در بعضی از کشورها حقوق مسلم زنان رعایت نمی‌شود. یکی از کشورهایی که در این زمینه در عصر حاضر رویکرد خود را ناشی از فشار فمینیسم تغییر داده است، کشور عربستان است. این کشور در دهه‌ها و صدهای قبل قوانین غیر منطقی برای زنان وضع کرده بود که آنان را از رانندگی، حق رأی و دخالت در امور سیاسی کشور، حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی و... منع می‌کرد. اکنون رویکرد عربستان نسبت به این محدودیت‌ها تغییر پیدا کرده و شاهد رانندگی زنان و شرکت در امور سیاسی و اجتماعی هستیم. طبق نظریه تقلید تارد، در یک جامعه همیشه افراد فرودست از افراد فرادست جامعه تقلید می‌کنند و سعی در این دارند تا

آداب و منش آن‌ها را انجام بدهند. زنان سعی می‌کنند تا از مردان تقلید کنند. بسیاری از آن‌ها در تلاش برای مرد بودن، ناشیانه به تقلید از زبان و رفتار مردان طبقات پست دست می‌زنند... در خلال دهه‌های شصت و هشتاد، زنان مانند کارگران بارانداز صحبت می‌کردند، آن‌ها نه تنها مثل مردان کار می‌کردند بلکه همچون آن‌ها رفتار می‌کردند (هام و گمبل، ۱۳۸۲: ۳۴).

ادیان صاحب شریعت، مانند دین مسیحیت افکاری منفی نسبت به زنان داشته‌اند. برای نمونه در تورات آمده است: «هر زنی که پسر بزاید شرعاً به مدت یک هفته و در صورتی که طفل دختر باشد به مدت دو هفته نجس است» (تورات، سفر لاویان، آیه ۲ و ۵) و در جایی دیگر در آیین مسیحیت، پدر حق دارد فرزند خود را مانند برده بفروشد و دختر حق سرپیچی از این تصمیم پدر را ندارد (تورات، سفر خروج، آیه ۷). ویل دورانت می‌نویسد: «اینکه آیا زن در حکم برده و اسباب خانه است، یا فقط آرایش و زینت اجتماع است، و یا جز لذت جنسی، چیزی نیست، پدیده‌ای بود که بر مردم قرن‌های پیشین معلوم بود. عقیده «یهود» نیز چنین بود. او در بند آخر از فرمان‌های ده‌گانه‌اش - که به قول مشهور به موسی فرستاد - زنان را در ردیف چهارپایان و اموال غیر منقول ذکر کرد. قوم یهود، زن را مایه مصیبت و بدبختی می‌دانستند؛ وجود او فقط از آن رو قابل تحمل بود که یگانه منبع تولید سرباز بود» (زریاب، ۱۳۸۵: ۱۴۸ و ۱۴۹).

بی‌ربط نیست که اگر عنوان نماییم همین اندیشه‌های افراطی نسبت به زنان باعث گردید که نهضت فمینیسم پا به عرصه وجود بگذارد، و بگوید که زنان با مردان فقط در جنسیت تفاوت دارند اما این تغییر جنسیت موجب ناهمگونی در حقوق مربوطه نمی‌شود و جالب‌تر اینکه هیچ دینی نتوانسته است همچون اسلام ارزش بنیادین زن و جایگاه او را به خودش برگرداند. اندیشه‌های زن‌ستیز در دین مبین اسلام به شدت نفی شده تا جایی که پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) می‌فرماید: «مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَئِيمٌ»؛ «زنان را جز کریمان گرامی نمی‌دارند و جز فرومایگان، خوار نمی‌دارند». فمینیسم جنبشی است که فی‌نفسه آثار مطلوبی را در سطح جهان از خود به جای گذاشته است که می‌توان اثرات آن را در کشورهای که تعصبات خاصی نسبت به زنان داشتند همانند عربستان مشاهده نمود. اما باید اظهار نمود فمینیست با تمام آثار مطلوب خود نتوانسته

است آنچه‌ان که باید و شاید از گرایش‌ات و فروعات مخرب در امان باشد. چنانکه یکی از گرایش‌ات فمینیسم تحت عنوان فمینیسم اگزستانسیالیستی؛ (اصالت وجود) است. این اندیشه توسط سیمون دوبوار گسترش یافت. جالب است که در این اندیشه‌ها مرد جنسی همانند دوزخ است که وجودیت او موجب آزار و اذیت زن است. وی این اندیشه را تا جایی گسترش می‌دهد که در آخر بیان می‌کند: «من معتقدم بین زن و مرد هیچ پیوندی جز دشمنی و تضاد نیست» (Beauvoir, 1990: 123). این در حالی است که دین اسلام بر آن است که زنان را افرادی گرامی می‌دارند که خود انسان‌های وارسته‌ای هستند در غیر این صورت افرادی که جایگاه و ارزش زن را پست می‌دانند خود فرومایه هستند (آیه ۱۸۹ از سوره اعراف). این موضوعات تماماً می‌خواهد این موضوع را به ذهن برساند که آموزه‌های اسلامی بر این است که باید زنان را گرامی و جایگاه آنان را حفظ نمود.

مثال دیگر، فمینیسم همجنس‌گرا است. این شاخه از فمینیسم همانند فمینیسم اگزستانسیالیستی نوعی انحراف در زیرمجموعه فمینیسم است. در این شاخه، اعتقاد بر این است که ارتباط جنسی زنان با مردان خود نوعی فرمانبرداری از مردان است و برای زنان بهتر این است که برای آزادی از یوغ مردان به سمت ارتباط جنسی و عاطفی با هم‌نوع خود برآیند (Bissi Anna, 1997: 23). این در حالی است که طبق آموزه‌های اسلامی این ارتباط مساحقه محسوب شده است. امام صادق (ع) در خصوص مساحقه می‌فرماید: «حد زنا بر آنان جاری می‌شود. این زنان در روز قیامت با لباس‌هایی از پاره‌های آتش محشور می‌شوند و مقنعه‌های آتشین بر سر و شلوارهایی از آتش بر تن دارند و ستون‌هایی از آتش در شکم آن‌ها وارد شده است که تا سرشان ادامه دارد و خداوند آنان را به داخل آتش پرتاب می‌کند» (عاملی، ۱۴۱۶: ج ۷، ب ۲۴).

موضوعاتی که در مطالب فوق بیان شد به خوبی نشان می‌دهد که فمینیسم اگرچه جنبشی مثبت است اما شاخه‌های انحرافی آن نه تنها نتوانسته حق موضوع که همان برقراری جایگاه زن است را ادا کند؛ بلکه جایگاه زنان را با عدم ارتباط با مردان و همجنس‌گرایی و سایر بدعت‌ها، متزلزل و باعث ایجاد نوعی انحراف شده است. از این رو بحث اصلی از اینجا آغاز می‌شود که فمینیسم، از منظر فقه اسلامی مورد تأیید است یا

خیر؟! باید افزود که انسان‌ها همه بر فطرت پاک آفریده شده‌اند و هیچ بنده‌ای (چه مرد یا زن) بر دیگری توفیق ندارد. رویکرد اسلام نسبت به زن یک رویکرد کرامت‌مدار است و بعضاً این رویکرد دارای توصیه‌هایی است که جایگاه والای زنان را در جامعه حفظ می‌کند.

البته باید توجه داشت همواره دشمنان اسلام این مضوعات را راهی برای نشان دادن وهن و بی‌اساس نشان دادن آموزه‌های اسلامی است در حالی که خود غافل از این هستند که اندیشه‌های غرب برای احیای حقوق از دست رفته زنان خود همجنس‌گرایی را (فمینیسم همجنس‌گرا) ترویج می‌دهند که خود جای تعجب شگرف است. در ادامه و در مباحث آتی رویکرد اسلام و موضع آن را نسبت به فمینیسم بهتر روشن خواهیم کرد.

بررسی مبانی

همانطور که در مباحث قبلی به آن اشاره شد فمینیسم بر این است که زن و مرد باید از حقوق مساوی برخوردار باشد و هر حقی که مردان در جامعه از آن بهره‌مند می‌شود زن‌ها هم حق دارند از آن بهره‌مند شوند. در این فصل نگارنده بر آن است تا مبانی را از دین اسلام نشان دهد که جنبه‌های اثباتی و انکاری نظریه مذکور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد تا این حقیقت روشن گردد که فمینیسم در اسلام چه جایگاهی دارد و از لحاظ اندیشه آیا می‌توان آن را با ایدئولوژی اسلامی من باب حقوق زنان تطبیق داد یا خیر؟ این موضوع مستلزم آن است تا جایگاه زنان را در قرآن و سنت مورد بررسی قرار داده سپس نکات ایجابی و سلبی را از مبانی مذکور به دست آورد و بعد از بررسی ادله در بیرون از میدان به قضاوت نشست.

۱. مبانی ایجابی

در این قسمت سه ادله از قرآن وجود دارد که نگارنده بعد از ذکر این ادله به بررسی آن‌ها خواهد پرداخت.

این ادله شامل آیه ۳۵ از سوره احزاب؛ آیه ۹۷ سوره نحل و آیه ۱۳ از سوره حجرات می‌باشد. همچنین مبانی از سنت هم آورده خواهد شد.

قرآن

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل / ۹۷)

«هر کس از مرد و زن ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهد به او حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را بهتر از اعمالی که انجام داده‌اند خواهیم داد»

﴿يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَّ اُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوْبًا وَّ قَبَاۗئِلَ لِتَعَارَفُوْا اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰۤاكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ خَبِيْرٌ﴾ (حجرات / ۱۳)

«ای مردم! ما همه شما را از زن و مرد آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرقه‌های مختلف گردانیدیم، تا بدانید که اصل و نژاد، مایه افتخار نیست و بزرگوارترین شما نزد خدا کسی است که باتقواتر است، خداوند به کار نیک و بد مردم آگاه است»

سنت

قال امام سجاده (ع): «وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمَلِكِ النِّكَاحِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللّٰهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَمُسْتَرَاحًا وَأُنْسًا وَّوَأَقِيَّةً، وَكَذٰلِكَ كُلُّ وَاٰحِدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللّٰهَ عَلَىٰ صَاحِبِهِ، وَيَعْلَمَ أَنَّ ذٰلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ. وَّوَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللّٰهِ وَيُكْرِمَهَا وَيَرْفُقَ بِهَا وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَغْلَظَ وَّطَاعَتِكَ بِهَا أَلْزَمَ فِيمَا أَحْبَبْتَ وَكَرِهْتَ مَا لَمْ تَكُنْ مَعْصِيَةً، فَإِنَّ لَهَا حَقُّ الرِّحْمَةِ وَالْمُوَانَسَةِ، وَمَوْضِعُ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءُ اللِّدَّةِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَذٰلِكَ عَظِيْمٌ. وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳/۴۱۰).

امام سجاده (ع) می‌فرماید: «و اما حق کسانی که با ازدواج به ملک تو در آیند آن است که بدانی خداوند آنان را مظهر آرامش، راحتی، انس و محافظت تو قرار داده است. همچنین بر هر کدام از شماست که خداوند را به خاطر وجود دیگری سپاس گوید و بداند که این نعمتی از جانب خدا است و واجب است همنشینی این نعمت را نیکو بدارد و به او احترام گذارد و با او مهربانی کند گرچه حق تو بر او باشد و اطاعت تو نسبت به آنچه او دوست می‌دارد یا از آن کراهت دارد مادامی که معصیت نباشد لازم‌تر است

چراکه او حق مهربانی و انس و الفت دارد و کانون آسایش و آرامش بودن و برخورداری و بهره‌مندی را دارد که باید ادا شود و این حقی عظیم است و- برای حسن انجام آن- پناه و توانی جز خدا نیست».

پیامبر درباره زنان می‌فرمود: «إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ» (سیوطی، ۱۴۲۹: ۲۵۶/۳)
«زنان نیمه دوم مردان هستند»

در حدیث دیگر پیامبر فرمود: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي نِسَاءٍ» (منبع پیشین)
«بیش‌تر نیکی‌ها در بانوان است»

در روایتی از امام صادق (ع) ویژگی‌های زنان نیکوکار چنین یادآوری شده است:
«خیر نساء کم آلتی اذا انفقت، انفقت بمعروف و ان اشکت، اشکت بمعروف فتلك عامل من عمال الله»

«بهترین زنان آن زنی است که اگر انفاق کند به معروف انفاق می‌کند و اگر خودنگه‌دار باشد به معروف، خودنگه‌داری می‌کند و این چنین زنی یکی از کارگزاران الهی خواهد بود» (ابن بابویه، پیشین: ۲۷۰).

بررسی مجموع ادله

واقعیت قصه این است که خداوند متعال با قرار دادن زنان در کنار مردان و برشمردن صفات آن‌ها در آیه ۳۵ از سوره احزاب:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ﴾

بر این است تا این موضوع را به خوبی نشان دهد که نزد خداوند زن و مرد یکسان هستند و این صفات تنها از باب تمثیل است نه از باب حصر. این آیه به خوبی نشانگر این است که خداوند زنان و مردان را به اندازه ارج و قرب می‌دهد و هیچ تفاوتی در رسیدن به کمال در زنان و مردان نیست.

خداوند در آیه ۹۷ از سوره نحل این موضوع را به خوبی آشکار می‌کند که نزد خداوند مردان و زنان را حیات پاکیزه می‌دهد و این حیات مشروط به هیچ گونه تبعیض جنسیتی نیست. سپس خداوند در آیه ۱۳ از سوره حجرات به عنوان فصل الخطاب

موضوع را تبیین و تکلیف بحث را به خوبی روشن می‌کند. خداوند در آیه مذکور عنوان قصد دارد بیان کند بین زنان و مردان هیچ تفاوتی نیست و علت اینکه خداوند انسان‌ها را از دو جنس آفریده جهت شناخت و انس است و معیار برتری انسان‌ها (اعم از زن و مرد) فقط و فقط تقوای الهی و کرامت انسانی است. شهید مطهری (ره) پیرامون این موضوع چنین می‌گوید: «اسلام در سیر من الخلق الی الحق یعنی در حرکت و مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست» (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

در احادیث به خوبی نقش و جایگاه والای زن به چشم می‌خورد. پیامبر گرامی اسلام زن را نیمه دیگر مرد می‌داند و امام سجاد تمام خوبی‌ها را در زن جلوه‌گر می‌داند. در احادیث نقش زن در زندگی مرد یک نقش معنوی محسوب شده که باعث رسیدن به سعادت دنیوی و آخروی خانواده می‌شود. این در حالی است که در اندیشه‌های فمینیسمی مادی‌گرایی صرف به چشم می‌خورد و آنان در پی این موضوع هستند تا فقط نیازهای اصلی زنان را بدون توجه به بُعد معنوی آن‌ها احیا نمایند (ژکس، ۱۳۵۵: ۴۲).

نگارنده بر این عقیده است که هیچ تفاوت و تمایزی در رسیدن به کمال نباید بین زن و مرد وجود داشته باشد. زیرا زنان و مردان بر یک خلقت خلق شده‌اند و هیچ تمایزی بین آنان نیست و هر انسانی چه زن و مرد می‌تواند با کسب تقوا و فضیلت‌های اخلاقی جایگاه یک انسان وارسته را به دست آورند. فمینیسم یک اندیشه صرفاً اجتماعی است و تنها نگاهی سودگرایانه به جایگاه زن دارد و در پی این است تا حقوق مادی و نه معنوی زنان را با اعتراضات از جامعه مردان طلب نمایند این در حالی است که طبق احادیث تنها رشد و نمو زن همانند مردان تعامل با جنس مخالف و برقراری رابطه‌ای معنوی است.

۲. مبانی سلبی

قرآن

در مبانی قرآنی دو آیه بیش از دیگر آیات اختلاف بین مرد و زن را ایجاد نموده است که نگارنده آن‌ها را در ذیل این گفتار خواهد آورد. مورد اول آیه ۲۸۲ از سوره بقره و دومی آیه ۱۱ از سوره نساء است.

﴿وَأَشْهَدُ وَأَشْهَدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾ (بقره/ ۲۸۲)

«و دو نفر از مردان خود را شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند یک مرد و دو زن از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند انتخاب کنید تا اگر یکی انحرافی یافت دیگری به او یادآوری کند»

﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾ (نساء/ ۱۱)

«خداوند به شما درباره فرزندانان سفارش می کند که- از میراث- برای پسر به اندازه سهم دو دختر باشد»

سنت

در سنت مبانی زیادی وجود دارد که بحث تفاوت‌های زن و مرد را روایت می کند و بعضاً زن را به چالش می کشد اما نگارنده به دلیل ضعف سندیت از آوردن آن‌ها خودداری می کند. «قال امیر المؤمنین (ع): مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ النَّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ، نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ، نَوَاقِصُ الْعُقُولِ، فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَقَعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ، وَأَمَّا نَقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ، وَأَمَّا نَقْصَانُ حُظُوظِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ فَاتَّقُوا شِرَارَ النَّسَاءِ، وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ، وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ» (نهج البلاغه، خطبه ۷۹)

«ای مردم! زنان از نظر ایمان و بهره اقتصادی و موهبت عقل کاستی‌هایی دارند؛ اما کاستی ایمان آن‌ها به دلیل آن است که از نماز و روزه در ایام عادت باز می‌مانند و گواه کاستی عقل آنان این است که شهادت دو نفر از آنان همچون شهادت یک مرد است و اما کاستی بهره اقتصادی آن‌ها دلیلش این است که سهم ارث آنان، نصف سهم مردان است، حال که چنین است از زنان بد بپرهیزید و مراقب نیکان آن‌ها باشید و در اعمال نیک- به صورت اطاعت بی قید و شرط- از آنان اطاعت نکنید تا در اعمال بد از شما انتظار پیروی نداشته باشند»

قال امیر المؤمنین (ع): «الْمَرْأَةُ شَرٌّ كُلُّهَا وَشَرُّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا» (نهج البلاغه،

زن همه‌اش شر و دردسر است و زحمت بارتر اینکه چاره جز بودن با او نیست.
 قال امیر المؤمنین (ع): «الْمَرْأَةُ عَقْرَبٌ خُلُوَّةُ اللَّبْسَةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۶۱)
 زن عقربی است که نیش او شیرین است.
 قال امیر المؤمنین (ع): «یاک و مشاورة النساء فإن رأیهن الی افن وعزمهن الی وهن».
 بپرهیز از مشورت با زنان که رأی آنان ناقص و تصمیم آنان سست است.

بررسی مجموع ادله

در قرآن دو تفاوت اصلی در بحث ارث و شهادت زنان مورد توجه است. موضوع اول این است که مرد دو برابر زن ارث می‌برد. واقعیت قصه این است که از زمان سابق مردان نقش نان‌آوری برای خانواده را داشتند از این رو بالطبع مخارج خانواده بر عهده مرد بوده است. از طرف دیگر خداوند متعال در قبال این مورد، مهریه و نفقه را هم بر عهده مرد قرار داده است که اگر بطن ماجرا را به خوبی مد نظر قرار دهیم درمی‌یابیم خداوند به هیچ عنوان با این تفاوت، تمایز و برتری جایگاه مرد را اراده نکرده است. مورد بعدی من باب شهادت زنان است. باید عنوان نمود این موضوع هم صرفاً به جهت این است که زنان به دلیل رأفت و عطوفت وافر که دارند امکان دارد از ادای شهادت مقرون به واقع در جهت عدم تحمیل مجازات بر مرتکب جرم خودداری نمایند. از همین رو طبق روایات، منصب قضاوت که اساس آن عقل عادل و دور از چیرگی احساس است از زنان سلب شده است. در این راستا خانم کلپود/لسون به عنوان یک روان‌شناس اعلام می‌کند: «... به این نتیجه رسیده‌ام که خانم‌ها، تابع احساسات و آقایان تابع عقل هستند» (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۷). از این رو این تمایز صرفاً به دلیل ویژگی‌های فیزیولوژیکی و سایکولوژیکی زنان نسبت به مردان است که خود موجب این تفاوت شده است.

اما در بحث بررسی ادله باید بیان کرد؛ یکی از موضوعات اصلی در بحث تفسیر و استنتاج از یک روایت قرار دادن موضوع در ظرف زمان و مکان و النهایه نتیجه‌گیری از روایت است. بیش‌ترین روایتی که در آن مردان نیست به زنان برتری یافته و زن‌ها کم‌تر از مردان مورد عنایت قرار گرفته‌اند در کلام حضرت علی (ع) است. ناگفته نماند که این

روایات بیش‌تر بعد از جنگ جمل و مخاطب غیر مستقیم آن عایشه همسر رسول گرامی اکرم(ص) و دختر/بویکر است که باعث جنگ میان مسلمانان شد و مخاطب حضرت امیر فرد خاصی را شامل می‌شد و نه عموم زن‌ها را. امام صادق می‌فرماید: «ما آتاکم من حدیث من برّ او فاسق فاعرضوه علی کتاب الله فما وافق کتاب الله فخذوه وما خالف کتاب الله فذروه» (فضل الله، ۱۴۱۰ق: ۱۲۴). آنچه از گفتار ما از فرد صالح و یا فاسق به شما عرضه می‌گردد آن را به قرآن کریم عرضه کنید اگر موافق با کتاب خدا بود آن را بپذیرید و اگر مخالف آن بود دورش بریزید. مضافاً مهم‌تر از این روایت و مستندات وجود دارد که این موضوع را (عدم فراگیر بودن روایات) تقویت می‌کند.

حضرت علی در یک روایت زنان را قابل مشورت نمی‌داند و از مشورت نمودن با آن‌ها مردان را نهی می‌کند در حالی که در قرآن کریم که اولین منبع فقه اسلامی و اصلی‌ترین منبع محسوب می‌شود آمده است:

﴿إِنَّ كُنَّ أَوْلَادٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمِّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ﴾ (طلاق / ۶)

«نفقه همسران خود را که [مطلقه] و باردار هستند، تا زمان زایمان بپردازید و اگر به فرزند شیر می‌دهند، مزد آنان را نیز بپردازید و با یکدیگر به شایستگی مشورت کنید»

این آیه به خوبی جواز مشورت مردان و زنان را صادر می‌نماید اما ناگفته نماند که مشورت کردن باید با افراد صاحب دانش انجام شود. در این راستا حضرت امیر(ع) بعد از نهی مشورت بیان می‌دارند: «ایاک و مشاوره النساء» آمده است: «أَلَا مَنْ جَرَّبَتْ بِكَمَالٍ عَقْلٍ» (مجلسی، ۱۴۱۹/ ج ۱۰۰: ۲۵۶) «مگر زنانی که به کمال خردمندی آزموده شده‌اند». در این صورت مانند مردان، شایسته مشورت هستند. نگارنده با معادله ساده‌ای که همان استفاده از مفهوم مخالف است بیان می‌دارد: «مشورت با مردان نادان جایز است» که به خوبی نشان می‌دهد منظور تنها زنان نیست بلکه به طور عموم مشورت با افراد فاقد صلاحیت در دین اسلام مردود شمرده شده است.

در جایی دیگر آن حضرت زن را مایه شر و دردسر می‌داند که باز هم نگارنده معتقد است این احادیث جمعاً مربوط به واقعه جمل است و آوردن لفظ الْمَرْأَةُ به جای بنت

خود گویای این است که حضرت تحت تأثیر واقعه جمل و خطاب به عایشه این موضوع را بیان نموده است. زیرا اگر قرار بر نهی موضوعی باشد اصل (بنت) نهی می‌شود و نه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «البنات هن المشفقات المجهزات المبارکات» (متقی، ۱۴۱۹ق: ۴۵۴/۱۶): دخترها مایه رحمت، صلاح زندگی و برکت هستند.

برونرفت از بحث با رویکردشناسی

برای اینکه بعد از بیان ادله و بررسی موضوعات به یک انسجام و یکپارچگی از بحث مذکور برسیم، مقتضی است رویکردها به حقوق زن در یک دیدگاه کلی مورد بررسی قرار داده شود. نگارنده معتقد است؛ در این راستا دو نوع رویکرد وجود دارد که شامل؛ رویکرد مساواتی و رویکرد ارزشی می‌باشد که هر کدام در ذیل این مبحث در گفتارهای جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته، سپس نگارنده رویکردها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

۱. رویکرد مساواتی

رویکرد مساواتی که بیش‌تر در اندیشه‌های مکتب فمینیسم دیده می‌شود، بر این عقیده است که زنان باید تمام حقوق مردان جامعه را دارا باشند. برابری جنسیتی یا برابری جنسی بدان معنا است که زن و مرد حقوق و وظایف یکسان دارند، و همه از فرصت‌های مساوی در جامعه برخوردار هستند. همچنین برابری جنسی مربوط به عدالت و تقسیم مسئولیت‌ها است؛ هم در جامعه و هم در خانواده. اگر جنسیت مانع از آن شود که ما بتوانیم نقاط قوت و ضعف فرد را ببینیم، این امر می‌تواند به تبعیض و فرصت‌های محدود برای فرد منجر شود. همچنین برابری جنسی به باوری فمینیستی گفته می‌شود که هدفش عموماً حذف نابرابری‌های جنسیتی، مردسالاری و جنسیت‌گرایی است. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد برابری جنسیتی را نخستین حق انسانی خوانده است. برابری جنسیتی همچنین به عنوان یکی از اهداف برنامه توسعه هزاره سازمان ملل متحد انتخاب شده است. برای نمونه ماده ۲ از اعلامیه حقوق بشر نوعی رویکرد

مساوات‌گرا را دنبال می‌کند. در این ماده آمده است: «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت‌ها وضع اجتماعی، ثروت و ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند شود». همچنین ماده ۱۶ قانون مذکور، دوباره از مساوات بحث می‌کند و بیان می‌دارد: «هر زن و مرد بالغی حق دارد بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت، یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی می‌باشند، گردد».

فمینیست‌ها مانند پست‌مدرن‌ها ضمن تصنعی و تاریخ‌مند خواندن واقعیت، شناخت را تابع منفعت می‌دانند و معتقدند که مردان با تولید دانش مورد نظر و مطلوب خود، واقعیت را همانگونه که می‌خواسته‌اند تعبیر کرده و زنان را به زیر سلطه خود کشیده‌اند. هواداران جنبش زنان در غرب به ویژه طی دو دهه اخیر می‌پندارند که مسأله شناخت، مسأله‌ای سیاسی است؛ زیرا با قدرت در ارتباط است. بر همین مبناست که در برخی آثار از سیاست نظریه سخن می‌رود. در این آثار شناخت، امری هدفمند، ایدئولوژیک و سیاسی معرفی می‌شود و یافته مردان، چیزی معتبر و مشروع قلمداد می‌گردد (Mohanty, 1984: 9).

فمینیست‌ها به تصور خویش برای پایان دادن به سلطه روش‌های پوزیتویستی مردان بر دانش‌ها و مناسبات، روی نکات زیر تأکید می‌نمایند: ۱- اجتناب از ستم جنسیتی در جمع‌آوری، تحلیل و طراحی داده‌های علمی ۲- تأکید بر ساخت اجتماعی واقعیت و متغیر و تاریخی بودن حقیقت و باورهای فعلی ۳- توجه به اشکال پیچیده اعمال قدرت و سلطه مردان بر زنان که به صورت رسمی - غیر رسمی و آشکار و پنهان جریان دارد (لوکس، ۱۳۷۸: ۱۴-۱۳).

از این رو باید در پایان این رویکرد این موضوع را عنوان کرد که مکتب فمینیسم در پی رساندن حقوق زنان هم‌پای مردان است. از این رو برای رسیدن به این اندیشه بر این است که زنان باید از سلطه مردان خارج شده و در نوع افراطی آن حتی با مردان معاشرت و مراوده نداشته باشند.

نقد و بررسی رویکرد

در حقیقت آغاز فمینیسم را می‌توان در انقلاب صنعتی فرانسه دید زمانی که برای رشد صنعت، جامعه نیازمند نیروی مضاعف بود، با جرعه این اندیشه که زنان باید وارد جامعه شده و هم‌پای مردان در صنعت و اقتصاد فعالیت نمایند و هیچ محدودیتی در این باره وجود نخواهد داشت. فمینیسم با تأیید این انقلاب، به گونه‌ای موفقیت‌آمیز، شمار بسیاری از زنان را به پیروی از الگوهای روابط جنسی مردانه تشویق نموده است. فمینیست‌ها زنان را ترغیب کردند تا معیار دوگانه اخلاق جنسی را- که به طور سنتی بی‌قید و بندی مرد را تحمل می‌کرد، ولی از زن انتظار عفاف و خویش‌داری داشت- نفی کنند. فمینیست‌ها با متقاعد کردن زنان به تقلید از بی‌قید و بندی جنسی مردانه، گام بزرگی در دستیابی به اساسی‌ترین هدف خود برای نیل به موفقیت برداشته‌اند. استدلال آن‌ها این بود که چرا زنان باید از لذت بی‌قید و بندی، که مردان از آن بهره‌مندند، بی‌بهره باشند. آنان انقلاب جنسی را تنها راه برابری زن و مرد در رفتار جنسی می‌دانستند (آندره، ۱۳۷۶: ۵۶).

نگارنده معتقد است جنبش فمینیسم اگرچه باعث شد مردان دریابند که در بعضی از موارد تندرستی‌های بی‌موردی انجام داده و یک سری از حقوق زنان را محدود و از آنان سلب کرده‌اند، اما بعد از آن فمینیسم نتوانست اندیشه خود را رشد و پرورش دهد و اکنون مشاهده می‌کنیم که شاخه‌هایی از دل فمینیسم (فمینیسم افراطی) سر درآورده است که زنان را در مقابل مردان قرار داده و هرگونه رابطه با مردان را خلاف حقوق زن و خلاف اهداف آنان می‌داند. از این رو نگارنده در کوتاه سخن معتقد است؛ فمینیسم بعد از اظهار عقاید و جنبش‌های خود به جای پیروی از عدالت استحقاقی زنان به دنبال مساوات‌گرایی رفتند که در نهایت اندیشه مذکور از مسیر منحرف شده است.

رویکرد ارزشی

جلوه رویکرد ارزشی را می‌توان در ایدئولوژی اسلامی یافت. در ایدئولوژی اسلامی زن جایگاه ارزشمند و رفیعی دارد، اما این موضوع، این شبهه را ایجاد نمی‌کند که چون زن دارای جایگاه رفیع می‌باشد باید حقوق مشابه مردان در جامعه را داشته باشند. خداوند

متعال می‌فرماید: ﴿ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف﴾ (بقره/ ۲۲۸) و برای زنان همانند وظایفی که بر دوش آن‌هاست [حقوق] شایسته‌ای قرار داده شده است. «هر زنی که به منظور اصلاح امور در خانه و خانواده، چیزی را از جایی بردارد و در جای دیگر بگذارد، خدا نظر مرحمت به او خواهد کرد و هر کس که مورد نظر خدا واقع شود، به عذاب الهی گرفتار نخواهد شد» (نوری، ۱۴۰۷: ۱۸۱/۱۵). این موضوع به خوبی این عقیده را تقویت می‌کند که خداوند مرد و زن را متفاوت خلق نموده و بر ذمه هر کدام حقوقی متناسب با ویژگی آنان قرار داده است که این حقوق قابلیت خلط فی مابین را ندارند.

به عقیده ویلیام جیمز فیلسوف معروف آمریکایی، حیا و خودداری ظریفانه زن گزینه نیست بلکه دختران جوان در طول تاریخ دریافتند که عزت و احترامشان به این است که به دنبال مردان نروند و خود را مبتذل نکنند و از دسترس مرد خود را دور نگه دارند. زنان این درس‌ها را در طول تاریخ دریافتند و به دختران خود یاد دادند. اختصاص به جنس بشر ندارد حیوانات دیگر نیز همینطورند. همواره این مأموریت به جنس نر داده شده است که خود را دل‌باخته و نیازمند به جنس ماده نشان دهد. مأموریتی که به جنس ماده داده شده این است که با پرداختن به زیبایی و لطف با خودداری و استغنا ظریفانه دل جنس خشن را هرچه بیش‌تر شکار کند و او را از مجرای احساس قلب خودش و به اراده و اختیار خودش در خدمت خود بگمارد (نوری، ۱۳۴۷: ۱۳۰).

الکسیس کارل فیزیولوژیست و زیست‌شناس معروف فرانسوی در این باره می‌گوید: «اختلافی که بین زن و مرد موجود است تنها مربوط به شکل اندام‌های جنسی آن‌ها نیست بلکه نتیجه علتی عمیق‌تر است. به علت عدم توجه به این نکته اصلی و مهم است که طرفداران نهضت زن فکر می‌کنند که هر دو جنس می‌توانند یک قسم تعلیم و تربیت یابند و مشاغل و اختیارات و مسؤولیت‌های یکسانی به عهده بگیرند. زن در حقیقت در جهات زیادی با مرد متفاوت است. زنان باید به بسط مواهب طبیعی خود در جهت و مسیر سرشت خاص خویش بدون تقلید کورکورانه از مردان بکوشند، وظیفه ایشان در راه تکامل بشریت خیلی بزرگ‌تر از مردهاست و نبایستی آن را سرسری گیرند و رها کنند (کارل، ۱۳۹۲: ۱۰۰). یکی از زنان انصار به محضر رسول اکرم (ص) شرفیاب شد و با لحنی شکوه‌آمیز گفت: «ای رسول خدا! گناه ما زنان چیست که باید بیش‌تر عمر خود را

در خانه بگذاریم و به پرورش کودکان شما مردان که پیوسته در میدان کارزارید بپردازیم؟» آن حضرت با دقت به سخنان/اسما گوش داد و بعد فرمود: «از جانب من به تمام زنان مسلمان بگو شوهرداری برای زن وظیفه‌ای بس گران و پر ارج است و در ثواب هم پایه اجر مردان از جان گذشته‌ای است که در راه خدا شمشیر می‌زنند» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲۵۹/۴).

مستنداتی که در این بحث آورده شد به خوبی این موضوعی را نشان می‌دهد که نهی زنان از بعضی از امور در قالب رویکرد ارزشی توجیه می‌پذیرد با این توضیح که در رابطه با زنان باید با رویکرد عدالت (العدل: وضع الامور مواضعها) رفتار کرد یعنی زن مستحق چه نوع عدالتی است، سپس آن حق برای زن ایجاد گردد.

بنابراین از مجموع آیات و روایات درمی‌یابیم زن در جامعه نقش ارزشی دارد و این به منزله اهمیت وجودی زن است. پیامبر گرامی اسلام در رابطه با جایگاه زن در حکومت اسلامی بیان می‌کنند: «جبرئیل آنقدر درباره زن به من به سفارش کرد که گمان کردم طلاق زن سزاوار نیست» (نوری، ۱۳۹۰ق: ۱۳۲/۱۴).

نقد و بررسی رویکرد

اسلام دین ارزش‌ها و باورها است. دین اسلام و فرامین آن در جهت رشد و بالندگی انسان و نظام خانواده است. ایدئولوژی اسلامی بر مبنای عدالت ایجاد شده تا انسان‌ها گل وجودی گونه بشر را شکوفا نمایند.

رویکرد ارزشی می‌خواهد این موضوع را عنوان نماید که مرد و زن هر کدام ویژگی‌ها و توانایی‌هایی دارند. همانطور که گونه بشر دارای استعدادها و توانایی منحصر به فرد است. خداوند از زن‌ها می‌خواهد وظایف اصلی خود که شامل، همسر داری، فرزندان داری، خانه داری، و... است را به درستی انجام داده همانطور که مردان وظیفه‌هایی همچون مراقبت از کانون خانواده، تأمین معاش و... دارند. این وظایف در کنار همدیگر موجب رشد و بالندگی می‌شود به شرط آنکه زن وظایف خاصه و مردان هم وظایف مقرر خود را انجام دهند. باید توجه داشت تفاوت مردان و زنان بسیار زیاد است. از این رو این تفاوت‌ها در فرض ترکیب (زندگی در کنار هم) تکامل می‌یابد. این اندیشه نه خاص دین

مبین اسلام بلکه بسیاری از اندیشمندان غربی همچون *الکسیس کارل* می‌باشد. آن‌ها دریافتند که این تمایزها فی‌مابین مرد و زن خود باعث تفاوت در بهره‌مندی از حقوق می‌شود. نگارنده معتقد است در این قسمت نباید به اشتباه رفت و در این موضوع مشتبه شد که چون زنان و مردان متمایز از همدیگرند باید حقوق زنان در جامعه نادیده گرفته شود؛ بلکه زنان و مردان هرکدام باید از مفهوم «عدالت استحقاقی» به جای مساوات بهره‌مند شوند. مفهوم عدالت استحقاقی در آثار نویسندگان بزرگ هم همین است که شرح آن آمد. علامه طباطبایی در رابطه با مفهوم مذکور بیان می‌دارد، عدالت زمانی رعایت می‌شود که استحقاق هر فرد در نظر گرفته شود، یعنی مقرراتی وضع و اجرا شود که متناسب وضعیت و استحقاق‌هاست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۱/۱).

در کوتاه سخن و به عنوان جمع‌بندی این گفتار باید تصریح کرد؛ بر اساس رویکرد ارزشی زن و مرد هرکدام تفاوت‌هایی دارند که این تفاوت‌ها در کنار هم از جنس تکامل است. این تفاوت‌ها موجب گرایش دو جنس به همدیگر می‌شود. انجام وظایف زنانگی زن، نه تنها موجب تضییع حقوق نیست بلکه موجب شکوفا شدن بنیاد خانواده می‌شود. امروزه نبود زنان در خانه به علت گرایش‌های فمینیستی برای هم‌پایی زنان با مردان ضربه جبران‌ناپذیری به خانواده و تربیت فرزندان زده است و بیش از پیش نشان داده که رویکرد ارزشی که همان انجام وظایف بر اساس تقسیم وظایف بنیادین و استحقاقی است، باید اجرا گردد.

نتیجه بحث

بعد از بیان موضوعات این نتیجه حاصل شد که قبل از ظهور اسلام در دوره جاهلیت و همچنین آیین یهود جایگاه زن به شدت ناچیز بود تا جایی که آیین یهود، زن را مایه شر می‌دانست و اعراب جاهلیت دخترانشان را زنده‌به‌گور می‌کردند. ﴿وَإِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوُودًا وَهُوَ كَظِيمٍ﴾ (نحل / ۵۸) اما بعد از ظهور دین اسلام زن جایگاه ویژه در آموزه‌های اسلامی یافت، تا جایی که احادیث و روایات فراوانی در جهت تکریم زنان ایجاد شد؛ اما از تمام این مباحث که بگذریم درمی‌یابیم رویکرد اسلام نسبت به حقوق زنان رویکرد استحقاقی است با این توضیح که زن حقوقی را دریافت می‌کند که متناسب

وضعیت و ویژگی‌های اوست. اسلام، مساوات بین زن و مرد را که در آموزه‌های فمینیستی موج می‌زند باور ندارد و به جای آن مرد و زن را دو قطب جدا و محتاج به هم می‌داند که بدون هم قدرت تکامل ندارند. از این‌رو کوتاه سخن این که فمینیسم اندیشه خوبی برای جوامع مردسالار افراطی بود تا حقوق از دست رفته زنان را تعدیل نماید اما رسیدن به مساوات در بهره‌مندی از حقوق فی‌مابین مرد و زن دور از عدالت استحقاقی و تمایزات تکاملی اسلام است.



کتابنامه

- ابن بابویه، ابو جعفر محمد. بی تا، **علل الشرائع**، چاپ دوم، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- حر العاملی، محمد بن الحسن. ۱۴۱۶ق، **وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**، چاپ سوم، قم: مؤسسه آل البیت قم.
- دلپورتا، دوناتلا. ۱۳۸۳ش، **مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی**، ترجمه محمد علی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- زریاب، عباس. ۱۳۸۵ش، **لذت فلسفه**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سیوطی، عبدالرحمان ابن ابی بکر. ۴۲۹ق، **جامع الصغیر من حدیث البشیر النذیر**، جلد سوم، بیروت: انتشارات دار الفکر.
- طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۳۹۱ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فضل الله، محمد حسین. بی تا، **مفاهیم اسلامیة**، چاپ سوم، قم: انتشارات دار الاضواء.
- کارل، الکسیس. ۱۳۹۰ش، **انسان موجودی ناشناخته**، ترجمه دکتر پرویز دبیری، بی جا: انتشارات مهر افروز.
- لوکس، استیون. ۱۳۷۸ش، **قدرت: نگرش رادیکال**، عماد افروغ، تهران: رسا.
- متقی هندی، احمد بن حسین. ۱۴۱۳ق، **کنز العمال**، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مشیری زاده، حمیرا. ۱۳۸۲ش، **از جنبش تا نظریه اجتماعی**، تهران: انتشارات شیرازه.
- مطهری، سید مرتضی. ۱۳۹۰ش، **نظام حقوق زن در اسلام**، چاپ پنجاه و نهم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۴ش، **مجموعه آثار**، چاپ ششم، تهران: انتشارات صدرا.
- میشل، آندره. ۱۳۷۶ش، **پیکار با تبعیض جنسی**، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نگاه.
- نوری، یحیی. ۱۳۷۴ش، **حقوق زن در اسلام و جهان**، تهران: انتشارات فراهانی.
- هام، مگی و سارا گمبل. ۱۳۸۲ش، **فرهنگ نظریه‌های فمینیستی**، ترجمه فیروزه مهاجر و دیگران، تهران: انتشارات توسعه.

کتاب انگلیسی

- Beasley, Chris (1999). **What is Feminism?**. New York: Sage.
- Bissi Anna (1997), **Psychology of Lesbianism**, L'osservator Romano, Paris.
- Deirdre Bair, Simone de Beauvoir, Fayard, Paris, (1990).
- Hawkesworth, Mary E. (2006). **Globalization and Feminist Activism**. Rowman & Littlefield.
- Lockwood, Bert B(2006) **Women's Rights: A "Human Rights Quarterly" Reader** (Johns Hopkins University Press).

Mohanty, C. Under, (1984) **Western Eyes: Feminism and Colonial Discourses**, "Boundary.

مقالات

بهشتی، سعید و مریم احمدی نیا. ۱۳۸۵ش، «تبیین نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر
تعلیم و تربیت اسلامی»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره سوم.
رضوانی، محسن. ۱۳۸۷ش، «فمینیسم»، مجله معرفت، شماره ۲.

Bibliography

- Ibn Babu'ye, Abu Ja'far Mohammad. *Bitā, Causes of Sharia*, Second Edition, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi Publications.
- Horr Al-Amoli, Mohammad Ibn Al-Hasan, 1416 AH, *Vasael Al-Shia Ela Tahsil Masael Al-Shariat*, third edition, Qom: Al-Albait Institute of Qom.
- Dalapourta, Dunatla, 2004, *Introduction to Social Movements*, translated by Mohammad Ali Delfrooz, Tehran: Kavir Publications.
- Zaryab, Abbas 2006, *The Pleasure of Philosophy*, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Siouti, Abdul Rahman Ibn Abi Bakr. 1429 AH, *Jame Al-Saghir Men Hadith Al-Bashir Al-Nazir*, Volume 3, Beirut: Dar Al-Fikr Publications.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 2012 AH, *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, Beirut: Scientific Institute for Publications.
- Fazlullah, Mohammad Hussain, no date, *Islamic Concepts*, Third Edition, Qom: Dar Al-Azwa Publications.
- Carl, Alexis. 2011, *Man is an unknown creature*, translated by Dr. Parviz Dabiri, No place: Mehr Afrooz Publications.
- Lux, Steven. 1999, *Power: Radical Attitude*, Emad Afrough, Tehran: Rasa.
- Mottaqi Hendi, Ahmad bin Hussein. 1413 AH, *Kanz al-Amal*, Beirut: Al-Resalah Institute.
- Majlesi, Mohammad Baqir 1403 AH, *Bahar Al-Anvar*, Beirut: Al-Wafa Institute
- Moshirizadeh, Homeira. 2003, *From Movement to Social Theory*, Tehran: Shirazeh Publications.
- Motahari, Seyed Morteza 2011, *The system of women's rights in Islam*, fifty-ninth edition, Tehran: Sadra Publications.
- Motahari, Morteza 1995, *Collection of Works*, Sixth Edition, Tehran: Sadra Publications.
- Michelle, Andre. 1997, *Fighting Sex Discrimination*, translated by Mohammad Jafar Pooyandeh, Tehran: Negah.
- Nouri, Yahya 1995, *Women's Rights in Islam and the World*, Tehran: Farahani Publications.
- Ham, Maggi and Sarah Gambel. 2003, *Culture of Feminist Theories*, translated by Firoozeh Mohajer et al., Tehran: Tose'e Publications.

English books

Beasley, Chris (1999). What is Feminism?. New York: Sage.

Bissi Anna (1997), Psychology of Lesbianism, L'observator Romano, Paris.

Deirdre Bair, Simone de Beauvoir, Fayard, Paris, (1990).

Hawkesworth, Mary E. (2006). Globalization and Feminist Activism. Rowman & Littlefield.

Lockwood, Bert B(2006) Women's Rights: A "Human Rights Quarterly" Reader (Johns Hopkins University Press.

Mohanty, C. Under, (1984) Western Eyes: Feminism and Colonial Discourses, "Boundary.

Articles

Beheshti, Saeed and Maryam Ahmadiania. 2006, "Explaining the educational theory of feminism and its critique from the perspective of Islamic education", two quarterly journals of Islamic education, number three.

Rezvani, Mohsen 2008, "Feminism", Journal of Knowledge, No. 2.



Feminism; Positive or negative principles in the Holy Quran

Mohammad Ali Razeghi

PhD student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Damghan Branch

Morteza Barati

Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Damghan Branch

Davood Dadashi Nejad

Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Damghan Branch

Abstract

Feminism is a movement against the maximum domination of men in society. Women's rights activists (feminists) believe that gender in human life should not be a determining factor for their social, political and economic status, because they believe that men and women should have equal rights in various fields and believe in gender equality. This study seeks to find the extent to which the Holy Qur'an and Islamic beliefs believe in the beliefs of feminism. In Islamic teachings, we see that the religion of Islam has infinitely valued the status of women, but this does not mean the absolute acceptance of equality and the ideas of feminism. The author in this article after bringing Islamic principles related to women's rights and its critique and study concludes that Islam seeks "deserving justice" instead of the "equality" that forms the basis of feminist thought, in order to teach her the fundamental duties of a woman and believes that; Achieving this justice leads to the happiness of the family and ultimately society.

Keywords: feminism women rights equal approach equality.